ویژگی‌های شناختی و رفتاری جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در مجلس نجاشی در چشم‌انداز متون تاریخی

مریم بهمن[1]، سیدحسین شفیعی دارابی[2]، نسرین انصاریان[3]

چکیده

مهاجرت دوم مسلمانان به حبشه، ازجمله وقایع مهم در تاریخ صدر اسلام به شمار می‌رود. بنا به توصیه پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله، سرپرستی مهاجران در این عرصه مهم فرهنگی و سیاسی، بر عهده جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام بوده است. بر اساس مستندات معتبر تاریخی، صفات والای شناختی و رفتاری نیک این صحابه نبوی، در دستیابی مسلمانان به دستاوردهای مهم و بنیادی، نقشی کلیدی داشته است. بدین جهت، پژوهش پیش رو با رجوع به منابع تاریخی و با روش توصیفی ـ تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است: در چشم‌انداز متون تاریخی، مهم‌ترین ویژگی‌های شناختی و رفتاری بروزیافته از جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در مجلس نجاشی چیست؟ برایند تحقیق حاضر این است که اموری همچون: زمان‌شناسی و درک موقعیت، دین‌شناسی و دشمن‌شناسی، برخورداری از صبوری، بردباری و شجاعت، و بهره‌گیری از توان خطابه و سخنوری، از مهم‌ترین ویژگی‌های شناختی و رفتاری بروزیافته از جناب جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در مجلس نجاشی محسوب می‌شوند.

واژگان کلیدی: جعفربن‌ابی‌طالب، هجرت به حبشه، نجاشی، ویژگی‌های شناختی، ویژگی‌های رفتاری.

۱. دانش پژوه سطح چهار تفسیر تطبیقی جامعة الزهراء علیهاالسلام، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ bahmanm9840@gmail.com.

۲. دکترای تفسیر و علوم قرآنی، استادیار جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله العالمیه و مدیر گروه تفسیر و علوم قرآن جامعة الزهراء علیهاالسلام، قم، ایران؛ syedhosein_shafieidarabi@miu.ac.

۳. دانش آموخته سطح چهار تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر جامعة الزهرا علیهاالسلام، قم، ایران؛ nasrin.ansarian@yahoo.com

مقدمه

پس از نزول آیات ۲۱۴ سوره شعراء و ۹۴ سوره حجر، آغاز دعوت علنی پیامبر خدا ﷺ در مکه (طبری، ۱۴۱۲، ج۱۴، ص۴۶ ـ ۴۷ و بحرانی، ۱۴۱۶، ج۳، ص۳۸۹) و مؤثر واقع نشدن اعمال دو شیوه تطمیع و تهدید از ناحیه کفّار قریش در آن حضرت، و نیز افزایش شمار مسلمانان در مکه، سران جبهه کفر بر آن شدند تا از طریق آزاررسانی به تازه‌مسلمانان و ایجاد رعب و وحشت در بین آنان، از مسلمان شدن سایر افراد جلوگیری کنند. ازاین‌رو، به شکنجه و آزار برخی از بردگان و کنیزان وابسته به قبایل غیربنی‌هاشم پرداختند. در چنین شرایطی، پیامبر ﷺ مسلمانان را به هجرت به حبشه فرا خواند. (ابن‌سعد بغدادی، ۱۹۶۸، ج۱، ص۲۰۲ ـ ۲۰۳).

مسلمانان دو بار به حبشه هجرت کردند. هجرت اول، در ماه رجب سال پنجم بعثت با حضور دوازده تا هفده مرد و زن مسلمان و با سرپرستی عثمان‌بن‌مظعون رخ داد. این طیف از مهاجران، حدود سه ماه در حبشه ماندند و با شنیدن خبر جعلی مسلمان شدن اهل مکه، در ماه شوال همان سال به مکه بازگشتند (یعقوبی، ۱۳۷۹، ج۱، ص۳۸۶).

هجرت دوم، در سال پنجم بعثت، با حضور ۸۳ مرد و یازده زن قریشی و هفت بانوی غیرقریشی به وقوع پیوست (ابن‌سعد بغدادی، ۱۹۶۸، ج۱، ص۱۶۲) و مهاجران پس از حدود دوازده سال اقامت در حبشه و بعد از پایان غزوه خیبر، به مدینه بازگشتند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج۱، ص۳۳۰).

در هجرت دوم، از میان طایفه بنی‌هاشم، تنها جعفربن ابی‌طالب ؑ به همراه همسر خود، اسماء بنت عمیس، حضور داشت (ابن‌هشام، بی‌تا، ج۱، ص۳۲۳) و طبق توصیه نبیّ اکرم ﷺ، سرپرستی این گروه از مهاجران را بر عهده گرفت (ابن‌سعد بغدادی، ۱۹۶۸، ج۴، ص۳۴).

جناب جعفر ؑ، فرزند ابوطالب بن عبدالمطلب بن هاشم و فاطمه بنت اسد، برادر امام علی ؑ و پسرعموی پیامبر خدا ﷺ بود. وی بیست سال قبل از بعثت متولد شد و ده سال از عقیل کوچک‌تر و ده سال از امام علی ؑ بزرگ‌تر بود (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج۱، ص۲۴۲). جعفر در جوانی به اسلام ایمان آورد و پس از امام علی ؑ، دومین مردی بود که به دعوت رسول‌الله ﷺ پاسخ مثبت داد (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج۱، ص۳۴۱ و امین، ۱۴۰۳، ص۴، ص۱۱۹). در روایات متعدد منقول از پیامبر اکرم ﷺ، از او در قالب اوصافی همانند سادات اهل بهشت، نقبا، نجبا (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج۷۲، ص۱۲۷)،

از عترت پیامبر (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج۱، ص۵۴۱)، از سابقین در اسلام (ذهبی، ۲۰۰۳، ج۱، ص۳۲۹)، ذوالجناحین (صاحب دو بال)، طیّار (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج۷، ص۳۰۹ و ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج۱، ص۲۸۸)، ذوالهجرتین (ابن‌عنبه، ۱۳۸۰، ص۳۵) و ابوالمساکین (پدر بینوایان) (اصفهانی، ۱۳۸۵، ص۱۶) یاد شده است. همچنین از پیامبرﷺ روایت شده است که فرمود: «خُلِقَ اَلنَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى وَ خُلِقْتُ أَنَا وَجَعْفَرٌ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ؛ مردم از درختان گوناگون هستند و من و جعفر از یک درختیم» (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج۷۲، ص۱۲۷). از جعفر، ویژگی‌های دیگری همچون: خطیب توانا، سرداری برجسته و شجاع، باسخاوت و آگاه به مسائل دینی نیز یاد شده است (عودی، ۱۳۷۸، ج۱۰، ص۴۰۷). در تعدادی از روایات تفسیری، نام جناب جعفر، هم‌ردیف مؤمنانی چون حمزه و امام علی علیه‌السلام و به‌عنوان الگویی برای اهل ایمان ذکر شده است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج۱، ص۹۳؛ کوفی، ۱۴۱۰، ص۱۳۴ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج۴، ص۴۷۶).

برخی از مورخان و محدثان بر این باورند که در هجرت دوم، مسلمانان با شنیدن توصیه نبوی: «لَوْ خَرَجْتُمْ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ، فَإِنَّ بِهَا مَلِكًا لَا يُظْلَمُ عِنْدَهُ أَحَدٌ، وَهِيَ أَرْضُ صِدْقٍ، حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكُمْ فَرَجًا مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ» (ابن‌هشام، بی‌تا، ۵ج۱، ص۳۲۱؛ طبری، بی‌تا، ج۲، ص۳۳۱؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج۱۵، ص۲۷۸ و ج۱۷، ص۳۵)، به‌سوی حبشه هجرت کردند؛ چراکه حاکم آنجا، نجاشی، مسیحی پارسا و عادلی بود. ابن‌سعد و بیهقی آورده‌اند: «جعفربن‌ابی‌طالب در سخنانی در حضور نجاشی، علت هجرت را این گونه بیان نمود: زمانی که شمار مسلمانان فزونی گرفت و ایمان آوردن به اسلام آشکار شد و شماری از قبایل به تعذیب و حبس مسلمانان از قبیله خود پرداختند تا آنان را از دینشان بازگردانند، رسول خداﷺ به آنان فرمود: در زمین خدا پراکنده شوند. سؤال کردند: به کجا برویم؟ آن حضرت به حبشه اشاره کردند» (ابن‌سعد بغدادی، ۱۹۶۸، ج۱، ص۱۹۰ و بیهقی، ۱۳۶۱، ج۲، ص۴۷).

پس از این مهاجرت، قریشان به تکاپو افتادند و ازآنجاکه با حبشیان رابطه بازرگانی داشتند و میانشان دوستی برقرار بود (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج۱، ص۳۹۵)، عمروبن‌عاص و عبدالله‌بن‌ابی‌ربیعه را با هدایایی نزد نجاشی، پادشاه حبشه، فرستادند (طبری، ۱۳۷۵، ج۳، ص۸۷۸). عمروبن‌عاص پناهندگان را برده‌هایی نادان معرفی کرد که از دین خود بیرون رفته‌اند و از این طریق کوشید

نجاشی را متقاعد کند که جعفربن‌ابی‌طالب ﷺ و همراهانش را به مکه بازگرداند، امّا نجاشی بر آن شد تا علت را از خود مهاجرین جویا شود. ازاین‌رو، بزرگان دینی کشورش را جمع کرد و در جلسه‌ای با حضور آنان، علت مهاجرت را از مسلمانان پرسید. جعفربن‌ابی‌طالب ﷺ با نهایت شجاعت و دلیری و با پیشه نمودن صبوری و بردباری و با استفاده از توان معرفتی و شناختی خود نسبت به آموزه‌های قرآن کریم، به پرسش‌های نجاشی پاسخ داد. جعفر با تدبیری ستودنی، از گفتمان در این جلسه، به نفع اسلام و مسلمین بهره جست و ذلّت و سرافکندگی و شکست فاحشی را دامنگیر نمایندگان قریش کرد (مقدسی، ۱۳۷۴، ج۲، ص۶۵۵). یقیناً آگاهی از شیوه‌های فرهنگی- تبلیغی جناب جعفربن‌ابی‌طالب ﷺ در مجلس نجاشی و بهره‌گیری از آنها در میدان مبارزه با دشمنان و دفاع از اسلام و مسلمین در دوره معاصر، امری ضروری و سودمند خواهد بود. بدین جهت تحقیق حاضر با استفاده از متون تاریخی معتبر، به دنبال پاسخ به این پرسش است که در چشم‌انداز متون تاریخی، مهم‌ترین ویژگی‌های شناختی و رفتاری بروزیافته از جعفربن‌ابی‌طالب ﷺ در مجلس نجاشی چیست؟

بر اساس جستجوی انجام‌شده این نتیجه به دست آمد که برخی از نویسندگان، نگاشته‌هایی در رابطه با هجرت به حبشه و نیز تحقیقاتی درباره شخصیت جعفربن‌ابی‌طالب پدید آورده‌اند. برای نمونه، کتاب هجرت به حبشه به قلم عبدالحمید جوده السحار و کتاب جعفر طیار نگاشته سید کمال، به‌صورت کلی، به موضوع اسلام آوردن جعفربن‌ابی‌طالب، هجرت مسلمانان به حبشه و نقش رهبری جناب جعفر در این سفر پرداخته‌اند. در مقاله «نمایندگان فرهنگی پیامبرﷺ و کارکرد آنان در گستره دعوتگری پیامبرﷺ با روی‌آوری به رویداد هجرت به حبشه»، نوشته ارسلان ایلکا و همکاران، با تأکید بر تبلیغ و آموزش به‌عنوان ارکان اساسی در ترویج دین اسلام، به بررسی ابتکار و خلاقیت‌های فردی جناب جعفر در نشان دادن تفاوت رسوم جاهلیت، مسیحیت و اسلام پرداخته شده است. در بررسی پیشینه، موضوع این مقاله، در آثار گذشته یافت نشد.

۱. مفهوم‌شناسی

باتوجه‌به اهمیت بحث مفهوم‌شناسی، قبل از پرداختن به مباحث اصلی پژوهش، مفهوم عبارت «ویژگی‌های شناختی» بیان می‌شود:

تعبیر «ویژگی‌های شناختی»، مرکب از دو کلمه ویژگی‌ها و شناخت است. ارباب فرهنگ و دانشوران لغوی فارسی‌نگار، کلمه ویژگی‌ها را مترداف با واژگانی همچون: خصیصه‌ها، خصلت‌ها و خصوصیات می‌دانند (معین، ۱۳۸۶، ج۲، ص۲۰۷۳). کلمه شناخت نیز عبارت دیگری از واژه «معرفت» و مترادف با مفاهیمی همچون: آگاهی، بینش، دانش، شناسایی و عرفان است (همان، ج۱، ص۹۵۸). مقصود از تعبیر «ویژگی‌های شناختی» در این تحقیق، خصوصیات معرفتی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام است. مهم‌ترین مصداق این بخش از خصوصیات جناب جعفر که در خلال تحقیق بدان‌ها توجه داده شده، عبارت است از: برخورداری از شناخت لازم در سه عرصه دین‌شناسی (معارف قرآنی و حدیثی)، دشمن‌شناسی، و آشنایی با آموزه‌های دین یهودیت و مسیحیت.

۲. نمودهایی از ویژگی‌های شناختی و رفتاری جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در مجلس نجاشی

پس از مهاجرت مسلمانان با سرپرستی جعفربن‌ابی‌طالب به حبشه، نمایندگان اعزامی کفّار قریش ضمن تدارک هدایایی بسیار برای نجاشی، با دادن نسبت‌های ناروا به مهاجران، خواهان بازگرداندن آنها به مکه شدند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۲، ص۸۰). نجاشی برای بررسی وضعیت مهاجران و درخواست نمایندگان قریش، مجلسی را در حضور درباریان برگزار کرد (ابن‌هشام، ج۱، بی‌تا، ص۳۳۵). در این جلسه، ضمن گفت‌وگوهای صورت‌پذیرفته بین جعفربن‌ابی‌طالب به نمایندگی از مهاجران و پادشاه حبشه، شاهد بروز ویژگی‌های متنوعی از این مسلمان مجاهد هستیم. در ادامه و در قالب دو محور، به بازخوانی تعدادی از این ویژگی‌ها می‌پردازیم:

۱ـ۲. ویژگی‌های شناختی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در مجلس نجاشی

۱ـ۱ـ۲. زمان‌شناسی و درك موقعیت

شناخت زمان، درك موقعیت‌ها و تدارك سازوکارهای مناسب با مقتضیات زمانی (محدثی، ۱۳۸۵، ص۱۴ـ۲۰)، ازجمله عوامل بنیادین و بسیار مؤثر در کسب مؤفقیت‌ها به شمار می‌روند. قرآن کریم در موارد متعددی بر زمان‌شناسی و درك موقعیت و استفاده از فرصت‌ها تأکید می‌کند (ر.ک: توبه:۵؛ نساء:۸۹ و آل عمران:۱۱۸). این امر مهم بارها در متون حدیثی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ ازجمله، روایت امام علی علیه‌السلام است که می‌فرماید: «**مَن عرف الایّام، لَم یَغْفُل عنِ الإستعدادِ**؛ هرکس ایام را بشناسد، از آماده شدن (و ره‌توشه فراهم ساختن) غافل نمی‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۸، ص۲۳).

گزارش‌های تاریخی حاکی از این است که ازجمله هنرهای جناب جعفر طیار علیه‌السلام این بود که در مواجهه با تلاش‌ها و هجمه‌های تبلیغاتی فرستادگان قریش که کوشیدند اسلام را دینی ناشناخته و ناسازگار با آیین مسیحیت معرفی نمایند، با درك زمان و موقعیت‌یابی مناسب، به مقابله فرهنگی با آنان پرداخت. ایشان در پاسخ به سؤال نجاشی در مورد محتوای دین جدید و کتاب قرآن، با انتخابی مناسب، به تلاوت آیاتی از سوره مریم پرداخت که با تعالیم مسیحیت کاملاً هماهنگی و سازگاری داشت و نجاشی (که در حین تلاوت قرآن گریسته بود و اشک تمام چهره‌اش را پوشانده بود) گفت: «والله که در انجیل نیز همین آمده است» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج۱۲، ص۴۱۵).

حسن انتخاب جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در تلاوت آیاتی از قرآن که در تعظیم حضرت عیسی علیه‌السلام و مادرش، حضرت مریم علیهاالسلام، نازل شده بود موجب خنثی شدن نقشه فرستادگان قریش و عدم تحویل مهاجران به آنان و تأمین امنیت آنها توسط نجاشی شد. بدین ترتیب مهاجران در کمال آزادی، سال‌ها در حبشه ماندند و با موقعیت‌سنجی و درایت شایسته جعفر توانستند دین و عزت خود را حفظ کنند و از گزند کفار در امان باشند (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج۱، ص۲۸۷؛ امین، ۱۴۰۳، ج۴، ص۱۲۰؛ اصفهانی، ۱۴۰۶، ج۱، ص۱۰۴؛ ذهبی، ۱۴۲۷، ج۱، ص۲۳۴ و سیوطی، ۱۴۰۵، ج۱، ص۲۴۸).

۲ـ۱ـ۲. دین‌شناسی

ازجملـه امتیـازات بشـر بر دیگر آفریده‌های خدای متعال این اسـت که وی از توان و ابزار لازم بـرای کسـب معرفت مناسـب و شـناخت دقیق در حوزه‌هـای مختلف برخوردار اسـت. براین‌اسـاس، بارهـا در خلال آیـات و روایات، به این نقطه امتیاز مهم انسـان در نظام آفرینش توجـه داده شـده (ر.ک: نحـل:۷۸؛ مومنـون:۷۸؛ ملـک:۲۳ و انسـان:۲) و از افـرادی که از ایـن داده‌های الهـی بهـره‌ای مناسـب نمی‌برند، به‌عنـوان موجوداتی پسـت و گمراه‌تر از چهارپایان یاد شـده اسـت (اعراف:۱۷۹ و فرقان:۴۴). البته قلمرو بهره‌وری از ابزار شـناختی، گسـترده بوده و مهم‌ترین آنها مربوط به حوزه دین‌شناسی است. در اهمیت کسب این نوع از شناخت، همین بس که رسـول اکـرم ﷺ فرموده اسـت: «لِـكُلِّ شَيْءٍ عِمادٌ، و عِمـادُ الدِّينِ الفِقهُ؛ هر چیزی سـتونی دارد و ستون دین، فهم دین است» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج۱، ص۲۱۶).

اقدامـات جعفـر طیـار علیه‌السلام در مجلس نجاشـی ضمن آنکه حاکی از توان بـالای معرفتی او نسـبت به فضای جاهلی عربسـتان بود، نشانه این اسـت که حتی در سال‌های آغازین طلوع اسـلام نیـز ضریب شـناختی وی در حوزه‌هـای مختلف دینی، به‌ویژه نسـبت به شـخصیت والای نبـیّ اکـرم ﷺ، آموزه‌هـا و آورده‌هـای نیـک آن بزرگـوار، مشـترکات بین ادیان آسـمانی، و شخصیت ارجمند حضرت عیسی علیه‌السلام بسیار چشمگیر بوده است:

جعفربن‌ابی‌طالـب علیه‌السلام در ابتـدای سـخنانش در مجلـس نجاشـی، بـه تشـریح وضعیت عربسـتان در زمان جاهلیت و آورده‌های نیک رسـول اکرم ﷺ پرداخت و در این راستا چنین گفت: «ای پادشـاه! ما مردمی گمراه بودیم که بت‌ها را پرسـتش می‌کردیم و مردار می‌خوردیم، مرتکـب کارهای زشـت می‌شـدیم، صلـه رحم نمی‌کردیـم و همسـایه را آزار می‌دادیـم. تا آنکه خداوند از میان ما مردی را به پیامبری برگزید که نسب او را به‌خوبی می‌شناختیم و او را راستگو و امین می‌دانستیم. او ما را به عبادت خدای یگانه و یکتاپرستی، صدق، امانت‌داری، نیکی با همسایه و پناهنده، نماز، زکات و روزه دعوت کرد و از کارهای زشت، ظلم و ستم، خون‌ریزی و خـوردن مـال یتیـم برحذر داشـت. ما او را تصدیـق کردیم و به آیین او ایمـان آوردیم و حلال و حرامـش را پذیرفتیـم. بـه همین علت، قوم ما بر ما سـتم نمودند و به دشـمنی و شـکنجه ما

پرداختند تا از آیین خود دست برداریم. چون عرصه بر ما تنگ شد به کشور شما آمدیم و شما را از دیگران برتر و بهتر دانستیم و امیدوار هستیم که نزد تو ستم بر ما روا نباشد» (ذهبی، ۱۴۲۷، ج۱، ص۲۳۳ و ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج۶، ص۳۰۹ ـ ۳۱۰).

بی‌تردید اگر جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام از شناخت لازم و دقیق نسبت به اوضاع بد جاهلی و آورده‌های وحیانی نیك بعثت نبوی برخوردار نبود، قطعاً نمی‌توانست در این جلسه (که صبغه محاکمه بر آن سایه افکنده بود)، با چنین قاطعیت، رشادت و جامعیتی سخن بگوید. همچنین با تتبع در آیات و روایات می‌توان به مستندات متعددی در جهت درستی و تأیید سخنان آغازین جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام دست یافت و مطمئن شد که سخنان وی در این گفتمان محاجّه‌ای، همخوان با واقعیات تاریخی و آموزه‌های دینی است.

۱ـ۲ـ۱ـ۲. مستند قرآنی سخنان جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام

خداوند در توصیف وضعیت بد دوره جاهلیت و آورده‌های بنیادین رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله میفرماید: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾؛ «یقیناً خدا بر مؤمنان منّت نهاد که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و (از آلودگی‌های فکری و روحی) پاکشان می‌کند، و کتاب و حکمت به آنان می‌آموزد، و به‌راستی که آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران:۱۶۴).

طبق این آیه شریفه، شاهدیم که خدای متعال ضمن تصریح بر از جنس «بشر» بودن رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، به دو مطلب مهم دیگر نیز توجه داده است:

الف) آورده‌های بنیادین بعثت آن حضرت، یعنی تلاوت آیات، تزکیه اشخاص و احزاب، و تعلیم کتاب و حکمت به آنان در پرتو فراز ﴿يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾.

ب) حاکمیت ضلالت و گمراهی همه‌جانبه بر جوامع بشری به‌ویژه در جامعه جاهلی عربستان در قالب جمله ﴿وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾.

با تأمل در مفاد آیه مذکور، به‌وضوح می‌یابیم آنچه که جناب جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در

مـورد آورده‌هـای نیك نبوی و اوضاع بد جاهلی قبل از اسـلام خبر داده بود، کاملاً همخوان با آموزه‌های قرآن کریم و مستند به آن است.

۲ـ۲ـ۱ـ۲. مستند روایی سخنان جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام

امیرمؤمنـان علـی علیه‌السلام در یکـی از خطبه‌هـای خـود، اوضاع عـرب پیش از اسـلام را چنین بیـان مـی کنـد: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّداً نَذِيراً لِلْعَالَمِينَ وَ أَمِيناً عَلَى التَّنْزِيلِ وَ أَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَـلَى شَـرِّ دِيـنٍ وَ فِي شَـرِّ دَارٍ مُنِيخُـونَ بَـيْنَ حِجَارَةٍ خُشْـنٍ وَ حَيَّاتٍ صُـمٍّ تَشْـرَبُونَ الْكَـدِرَ وَ تَأْكُلُونَ الْجَشِـبَ وَ تَسْـفِكُونَ دِمَاءَكُـمْ وَ تَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُـمُ الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنْصُوبَةٌ وَ الْآثَـامُ بِكُمْ مَعْصُوبَة؛ خداوند پیامبر اسـلام، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، را هشـداردهنده جهانیان مبعوث فرمود تا امین و پاسدار وحی الهی باشد، آنگاه که شما ملّت عرب، بدترین دین را داشتید و در بدترین خانه زندگی می‌کردید، میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناك فاقد شنوایی به سر می‌بردید، آب‌های آلوده می‌نوشـیدید و غذاهای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید، و پیوند خویشـاوندی را می‌بریدید، بت‌ها میان شـما پرسـتش می‌شـد، و مفاسد و گناهان، شما را فرا گرفته بود» (سید رضی، ۱۳۷۹، ص۷۳، خطبه ۲۶).

در این بیان امیرمؤمنان علیه‌السلام شـاهد این هسـتیم که آن بزرگوار ضمن توجه دادن به جهانی بـودن بعثـت نبی اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و بازگویی صفت والای «أمین» بودن آن حضرت، به ارائه ترسـیمی درسـت از اوضـاع بـد اعتقـادی و رفتـاری حاکـم بـر دوره جاهلیـت پردخته اسـت. ازاین‌رو، سخنان ایشان نیز شاهدی بر درستی گزارش جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در مجلس نجاشی درباره رهاوردهای نیك بعثت نبوی و اوضاع ناخوشایند دوره جاهلیت است.

بـا تأمّـل در مفـاد ایـن دو مسـتند قرآنـی و روایـی، به‌روشـنی می‌یابیـم کـه آنچـه جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در مجلس نجاشـی در مورد آورده‌های ارزشـمند نبیّ اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اوضاع بد جاهلی عربستان بیان کرد، کاملاً همخوان با مفاد آیات و روایات است.

۳ـ۲ـ۱ـ۲. آگاهی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام از مهم‌ترین مشترکات ادیان آسمانی الهی

بازگویی مشترکات اعتقادی و غیراعتقادی ادیان آسمانی الهی توسط جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام

در مجلس نجاشی نیز گویای این حقیقت است که وی در حوزه معرفت دینی، از آگاهی لازم و مناسبی برخوردار بوده است. او در این جلسه، نخست بر مهم‌ترین مشترکات دینی بین ادیان الهی، یعنی باور به توحید، نبوت و معاد تأکید نمود و در ادامه، به بیان مشترکاتی از احکام دین اسلام و دیگر ادیان الهی، از قبیل رعایت صداقت و امانت، مراعات حال همسایه و پناهنده، پرهیز از کارهای زشت، قتل، ستم و خوردن مال یتیم پرداخت و سرانجام نیز به عبادات مشترک بین ادیان الهی، مانند نماز، زکات و روزه اشاره کرد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج۶، ص۳۰۹).

نکته شایان توجه اینکه این شیوه تبلیغی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام نیز ریشه در قرآن کریم دارد؛ زیرا در این کتاب آسمانی می‌خوانیم: خدای متعال به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور داد در مواجهه با پیروان ادیان الهی دیگر چنین بفرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ ...﴾؛ «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به‌سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است (و همه کتاب‌های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کردند) که جز خدای یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریك او قرار ندهیم، و بعضی از ما بعضی را اربابانی به‌جای خدا نگیرد» (آل عمران:۱۶۴).

استفاده جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام از این شیوه نیک، از سویی موجب پذیرش اسلام توسط نجاشی و اطرافیان او و آمادگی آنان برای شنیدن ادامه سخنان وی شد، و از ناحیه دیگر سبب گردید تا فرستادگان قریش، مجلس نجاشی را با ناکامی ترک کنند و بسیار افسرده و ناراحت شدند. دراین‌حال، عمروبن‌عاص رو به رفیق خود، عبدالله‌بن‌ابی‌ربیعه، کرد و گفت: فردا بار دیگر به نزد نجاشی می‌روم و ریشه اینها را می‌زنم! چون روز دیگر شد، عمروبن‌عاص به نزد نجاشی آمد و گفت: اعلی‌حضرتا! این بی‌خردان درباره عیسی سخن عجیبی می‌گویند. شما کسی را به نزد ایشان بفرستید و سخن ایشان را درباره حضرت عیسی جویا شوید!

با احضار آنها، جعفربن‌ابی‌طالب گفت: ما همان را گوییم که پیامبرمان از جانب خدای تعالی برای ما آورده است؛ یعنی ما معتقدیم که حضرت عیسی علیه‌السلام، بنده و پیامبر و روح خدا و کلمه الهی است که به مریم بتول فرستاده است.

در گزارش مورخان آمده است: نجاشی دست خود را به طرف چوبی که روی زمین بود دراز کرد و آن را برداشت و گفت: به خدا! سخنی که تو درباره عیسی گفتی با آنچه حقیقت مطلب است، از طول این چوب تجاوز نمی‌کند (و سخن حق همین است که تو گفتی)! این سخن نجاشی، به بزرگان و فرماندهان مسیحی حبشه که در کنار او ایستاده بودند گران آمد و نگاه‌های تندی به هم کردند. نجاشی که متوجه نگاه‌های آنها شده بود بدان‌ها گفت: و اگرچه بر شما گران آید! سپس به مهاجران گفت: شما با خیالی آسوده به هر جای حبشه که می‌خواهید بروید، و بدانید که در امان ما هستید و کسی نتواند به شما گزندی رساند! آنگاه به اطرافیان خود گفت: هدایای این دو نفر (نمایندگان قریش) را پس دهید؛ چون ما را نیازی به آنها نیست، و خداوند برای بازگرداندن سلطنت من، رشوه از من نگرفت که من در این باره رشوه بگیرم، و مردم مرا در آغاز کار اطاعت نکردند تا من اطاعت اینان را بکنم. و بدین ترتیب فرستادگان قریش، شرمنده و دست خالی به مکه بازگشتند و هدایای قریش را نیز پس آوردند (ابن‌هشام، ۱۴۰۰، ج۱، ص۲۱۰ ـ ۲۱۱).

۳ـ۱ـ۲. دشمن‌شناسی

بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین شرایط موفقیت در عرصه‌های مختلف زندگی، شناخت دشمن است. در بخش عظیمی از آموزه‌های دینی، بر روی مسئله دشمن‌شناسی تشویق و تأکید شده است. در این زمینه، امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ، وَ لَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ، وَ لَنْ تَمَسَّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ؛ بدانید که هیچ‌گاه حق را نخواهید شناخت، جز آنکه ترک‌کننده آن را بشناسید، هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود، مگر آنکه پیمان‌شکنان را بشناسید؛ و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید مگر آنکه رهاکننده آن را شناسایی کنید» (سید رضی، ۱۳۷۹، ص۲۷۱، خطبه ۱۴۷). نکته شایان توجه اینکه، ازجمله شگردهای دشمنان که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده، این است که به شیوه‌های مختلف، سعی در پنهان کردن دشمنی خویش دارند (ر.ک: اعراف:۲۱)؛ درحالی‌که هیچگونه خیری را برای مؤمنان تاب نمی‌آورند (بقره:۱۰۵).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد مشرکان مکه، از هجرت مسلمانان به حبشه و آسایش

آنان در این سرزمین، رنج می‌بردند و چاره را در بازگرداندن آنها دانستند. به همین منظور دو نفر از افراد سخنور و زیرک قریش را انتخاب کردند و به دربار نجاشی فرستادند. این دو نفر، «عمروبن‌عاص» و «عبدالله‌بن ابی‌ربیعه مخزومی» بودند. فرستادگان قریش، همراه با هدایایی به حبشه رسیدند و ضمن تقدیم آنها به پادشاه و بزرگان حبشه، درخواست خود را در مورد اخراج مهاجران با این بیان مطرح کردند: «انه قَدْ فَرَّ إِلَى بَلَدِ اَلْمَلِكِ مِنَّا غِلْمَانٌ سُفَهَاءُ فَارَقُوا دِينَ قَوْمِهِمْ وَ لَمْ يَدْخُلُوا فِي دِينِكُمْ وَ جَاءُوا بِدِينٍ مُبْتَدِعٍ لاَ نَعْرِفُهُ نَحْنُ وَ لاَ أَنْتُمْ؛ گروهی از جوانان نابخرد قوم ما به تازگی از دین پدران ما دست کشیده و به دین تازه‌ای درآمده‌اند که نه دین شما (دین مسیح) است و نه ما چنین دینی سراغ داشته‌ایم» (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۲، ص۸۰ و ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج۶، ص۳۰۸).

جناب جعفر علیه‌السلام به دلیل آشنایی دقیق با ماهیت دشمنان و مطلع بودن از نقشه‌های شوم آنان، در عرصه مواجهه با توطئه‌ها و تحرکات دشمنانه آنها، ضمن تواضع و احترام به نجاشی، فرستادگان قریش را مورد خطاب قرار نداد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج۲، ص۳۰۴). وی با خطاب قرار دادن نجاشی، به‌صورت غیرمستقیم به مناظره با نمایندگان مکه پرداخت و با اعمال تدبیری مناسب، بی‌ادبی‌های آنها را پاسخ داد و توطئه‌های آنان را خنثی نمود. وی ضمن بیان هدف خود و مسلمانان مهاجر که در درجه اول، حفظ دین و سپس رهایی از آزار مشرکان بود، علت انتخاب حبشه به‌عنوان مقصد هجرت را چنین معرفی می‌کند: «خَرَجْنَا إِلَى بَلَدِكَ وَ اِخْتَرْنَاكَ عَلَى مَنْ سِوَاكَ وَ رَغِبْنا فِي جِوارِكَ وَ رَجَوْنا أَلاَّ نُظْلَمَ عِنْدَكَ أَيُّهَا الْمَلِك؛ ای پادشاه! ما به قصد دیار تو خارج شدیم و تو را با رغبت بر همه برگزیدیم و به امید آن هستیم که در سرزمین تو مورد ستم واقع نشویم» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج۶، ص۳۰۹). بدین ترتیب، جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام با شناخت دشمنان و مطلع بودن از شگرد خدعه و فریب آنان و تبیین چهره واقعی آنها، نجاشی را به رعایت عدالت در مورد مهاجران و تظلم علیه دشمنان خویش فراخواند و با اعمال شیوه‌ای کارآمد، روند این جلسه را بدان‌جا پیش برد که نجاشی خطاب به دو نماینده مشرکان گفت: بروید، به خدا سوگند که هرگز ایشان را نزد شما نخواهم فرستاد. و آن دو با سرافکندگی بازگشتند (مقدسی، ۱۳۷۴، ج۲، ص۶۵۵).

۲ـ۲. ویژگی‌های رفتاری (کارکردی) جناب جعفربن‌ابی‌طالب در مجلس نجاشی

به اعتراف مورخان، ازجمله نقاط مثبت در زندگی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام این بود که وی، دوران نوجوانی و جوانی خود را دور از آلودگی‌های آن روزگار سپری کرد و با آنکه در آن زمان، سرزمین جزیرة العرب آلوده به فساد اخلاقی و انحرافات اعتقادی بود، اما او با حفظ شرافت و تزکیه نفس خویش، متصف به چهار خصلت پرهیز از بت‌پرستی، فحشا، شراب‌خواری و دروغ بوده است (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج۷۲، ص۱۲۶ و شیخ صدوق، ۱۳۸۶، ج۲، ص۵۵۸). کارکردهای رفتاری این صحابی بزرگ نبوی حاکی از این است که وی پس از طلوع اسلام، به تداوم، تقویت و توسعه این خصلت‌های نیک و همانندهای آنها در عرصه زندگی خویش پرداخته است. همین امر موجب گردید تا جمعی از دانشوران تاریخی و غیرتاریخی، در مقام توصیف از او، بر این نکته تصریح نمایند که: «وی در زمان خود، از جهت زیبایی و اخلاق (رفتار)، شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج۱، ص۲۴۲؛ ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج۱، ص۵۴۱؛ ذهبی، ۱۴۲۷، ج۳، ص۱۳۷ و شیبانی، ۱۴۰۳، ج۲، ص۸۹۱). آنان برای درست جلوه دادن این قضاوت خویش، به نقل داستان‌هایی متنوع از زندگی این صحابی بزرگ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخته‌اند. بخش چشمگیری از این داستان‌ها، مربوط به ویژگی‌های رفتاری آن بزرگوار در ملاقات با نجاشی و هنگامه حضورش در مجلس اوست. در این راستا، به نقل نمونه‌هایی بسنده می‌شود:

۱ـ۲ـ۲. صبر و بردباری

یکی از خصلت‌های والایی که در خلال آیات و روایات، بارها از آن به نیکی یاد شده، صفت نیکوی «صبر» است. خدای متعال در مقام خبر دادن از سبک زندگی انبیای الهی، از صاحبان صبر تمجید می‌کند (آل عمران:۱۴۶). در فضیلت خصلت صبر همین بس که در روایت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ایمان، به صبر توصیف شده است (شهید ثانی، بی‌تا، ص۴۷).

با مطالعه در ویژگی‌های نیک جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام به‌وضوح می‌یابیم که سراسر زندگی وی، آراسته به صفت والای «صبر» بوده است. ابن‌قدامه، نسب‌شناس معروف، از جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام به‌عنوان فردی بردبار و متواضع یاد نموده است (ابن‌قدامه، ۱۴۰۲، ص۱۱۵).

گزارش‌های مورخان حاکی از این است که هجرت مسلمانان به سرپرستی

جعفربن‌ابی‌طالب ﷺ به حبشه، همانند سایر هجرت‌ها با مشکلاتی همراه بوده است که از آن جمله، اقدام فرستادگان قریش برای بازگرداندن مهاجران از حبشه بود. البته نمایندگان قریش در این هدف ناکام ماندند و نجاشی، خواسته آنان در مورد تسلیم نمودن مهاجران به ایشان را نپذیرفت (ابن‌هشام، بی‌تا، ج۱، ص۳۳۶ ـ ۳۳۵). بی‌تردید عوامل متنوعی در بروز این ناکامی آنان و پیروزی جعفربن‌ابی‌طالب و همراهانش تأثیرگذار بوده‌اند که بهره‌وری او از تدبیر درست و صبوری به هنگام حضور در مجلس نجاشی، ازجمله این عوامل به شمار می‌روند. شواهدی از صبر جناب جعفر یافت می‌شود؛ ازجمله اینکه در روایات تفسیری متعددی در ذیل برخی آیات مربوط به صابران، از جعفربن‌ابی‌طالب ﷺ به‌عنوان یکی از مصادیق آیه یاد شده است. به‌عنوان‌مثال، در ذیل این آیه در سوره زمر می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾؛ «بگو: ای بندگان مؤمنم! از پروردگارتان پروا کنید. برای کسانی که در این دنیا اعمال شایسته انجام داده‌اند، پاداش نیکی است و زمین خدا گسترده است [بر شماست از سرزمینی که دچار مضیقه دینی هستید به سرزمینی دیگر مهاجرت کنید]. فقط شکیبایان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند کرد» (زمر:۱۰).

برخی از مفسران فریقین، در مقام تفسیر این آیه، از جعفربن‌ابی‌طالب به‌عنوان یکی از مصادیق آن یاد نموده (بغوی، ۱۴۲۰، ج۴، ص۸۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ج۱۵، ص۲۴۰؛ بلنسی، ۱۴۱۱، ج۲، ص۴۳۸ و میبدی، ۱۳۷۱، ج۸، ص۳۹۳) و گفته‌اند: این آیه در حق مهاجران به حبشه و یا مدینه نازل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱۶، ص۲۲۰؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج۷، ص۵۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۹، ص۴۰۳).

در روایت منقول از امام باقر ﷺ در مورشأن نزول این آیه نیز آمده است: «نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرٍ ثُمَّ جَرَتْ فِي الْحُسَيْنِ؛ این آیه درباره علی و حمزه و جعفر نازل شد و در مورد امام حسین به وقوع پیوست» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج۲۴، ص۲۲۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج۳، ص۸۸۸ و حسکانی، ۱۴۱۱، ج۱، ص۵۲۱).

۲ـ۲ـ۲. شجاعت و دلیری

صفت «شجاعت» ازجمله اوصاف ضروری در عرصه مقابله و مبارزه با نیروهای متخاصم محسوب می‌شود و انجام هرگونه فعالیت در میادین فرهنگی و نظامی، متفرع بر وجود این

خصلت نیک است. در خلال آیات و روایات، از صاحبان شجاعت، به نیکی یاد شده و ازجمله، خدای متعال، شهامت و شجاعت فعالان در عرصه تبلیغ و ابلاغ پیام‌های الهی را ستایش کرده است (احزاب:۳۹). در فضیلت این صفت والا همین بس که یکی از خواسته‌های رسول اکرم ﷺ از درگاه خدای متعال در مورد علی‌بن‌ابی‌طالب ؑ این بود که خداوند به حضرتش، مقام وصایت و صفت شجاعت را عطا فرماید (هلالی، ۱۴۰۵، ج۲، ص۸۱۵). در کلام امام علی ؑ نیز آمده است که فرمود: «**الشَّجاعةُ نُصرَةٌ حاضِرَةٌ و فَضيلَةٌ ظاهِرَةٌ**؛ شجاعت، نصرتی نقد و فضیلتی آشکار است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص۵۹).

از مطالعه آثار مورخان به‌خوبی برمی‌آید که شجاعت، ازجمله صفات نیکی بود که جعفربن‌ابی‌طالب ؑ از آن برخوردار بوده و در بیان ویژگی‌های وی، شجاعت او در کنار دیگر خصایص، همچون خطابه، سخاوتمندی و عرفان است (اصفهانی، ۱۹۶۷، ج۱، ص۱۱۴).

امیرالمؤمنین علی ؑ در موارد متعددی، از شجاعت و جوانمردی جناب جعفر یاد کرده است. ازجمله فرمود: «**وَ لَمْ يَكُنْ مَعَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي اصُولُ بِهِ وَ لاَ أَقوَى بِهِ أَمَّا حَمْزَةُ فَقُتِلَ يَوْمَ أُحُدٍ وَ أَمَّا جَعْفَرٌ فَقُتِلَ يَومَ مؤته**؛ همراه من کسی از اهل بیتم نبود که با کمك او بجنگم و قوّت بگیرم. حمزه در روز احد و جعفر در روز موته کشته شده بودند» (هلالی، ۱۴۰۵، ص۹۲ و انصاری، ۱۴۱۶، ج۱، ص۳۱۹).

در منابع تاریخی نیز افزون بر نقل نمونه‌هایی از شجاعت جعفر در جبهه نظامی و نبرد وی با نیروی دشمن در میدان سخت جنگ «موته»، که موجب قطع دست‌های او گردید و به پاداش دست‌های قطع‌شده او و به پاس شجاعت و رشادت جعفر، خداوند دو بال به او عنایت کرد تا در بهشت به‌وسیله آنها پرواز نماید و به همین جهت، او را «ذوالجناحین» می‌خوانند (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج۲، ص۷۶۲؛ همان، ۱۳۸۵، ج۲، ص۱۱۴ و ابن‌سعد، ۱۹۶۸، ج۴، ص۳۹). علاوه بر شجاعت در میدان جنگ، شاهد نمونه‌هایی از شجاعت این صحابه ارجمند نبوی در جبهه فرهنگی، به‌ویژه در مجلس نجاشی نیز هستیم. در شجاعت و عدم خوف این مبلغ راستین و موفق جهان اسلام در این مجلس، همین بس که وی در برابر تهدیدها و توطئه‌های نمایندگان کفار قریش در دربار نجاشی، خوفی به دل راه نداد و لحظه‌ای پا پس نکشید و عقب‌نشینی

نکـرد. وی در ایـن واقعه، همچون کوهی اسـتوار، حضورش را در میـدان محاجه با آنان حفظ نمود و سرانجام نیز به موفقیتی چشمگیر دست یافت؛ به‌گونه‌ای که نه‌تنها نمایندگان قریش را با شکست مواجه نمود و آنان را در دستیابی به اهداف شومشان ناکام گذاشت (طبری، بی‌تا، ج۲، ص۶۵۲ـ ۶۵۳؛ یعقوبی، ۱۳۷۹، ج۲، ص۳۰ و بیهقی، ۱۳۶۱، ج۲، ص۲۹۴ـ ۲۹۵)؛ بلکـه زمینـه مسـلمان شدن نجاشی و جمع زیادی از اطرافیان وی را نیز فراهم آورد.

۳ـ۲ـ۲. بهره‌وری از توان والای خطابه و سخنوری

یکـی از ابزارهـای مهم و بسـیار مؤثر در کسـب موفقیت در عرصه تبلیـغ، برخورداری مبلغ دینی از توان خطابه و سـخنوری مطلوب و اسـتفاده بهینه از این نعمت الهی است. بر همین اسـاس، هنگامـی که خدای متعال به حضرت موسـی علیه‌السلام مأموریت داد تا فرعـون را به راه حق دعوت کند (ر.ک: طه:۲۴)، موسـی علیه‌السلام از خداوند خواسـت که گره از زبان او بگشاید (طه:۲۵ـ ۳۵) و هـارون را کـه زبانـی فصیـح داشـت بـا او همراه کنـد. این امـر، حاکی از نقـش والای نعمت سخنوری و خوش‌بیانی در امر تبلیغ است (ر.ک: صادقی تهرانی، ۱۴۳۲، ج۲۲، ص۳۴۶).

امام علی علیه‌السلام در راستای تبیین نقش سخنوری و خطابه زیبا می‌فرماید: «أَجْمِلُوا فِي الخِطَابِ تَسمَعُوا جَمِيلَ الجَوَابِ؛ زیبا سخن بگویید تا پاسخ زیبا بشنوید» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص۹۱).

در قرآن کریم از سـویی، از نعمت بیان و سـخن گفتن به‌عنوان یکی از نعمت‌های الهی به انسان یاد شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۱۹، ص۱۵۷ و ج۱۶، ص۱۷۲)، و از ناحیه دیگر، به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین توصیه نمود: در دعوت مخالفان، از سه ابزار کارآمد بهره جوید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...؛ [مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] بپرداز...» (نحل:۱۲۵).

شـواهد تاریخـی نشـان می‌دهد کـه جعفربن‌ابی‌طالـب از توان خطابه و سـخنوری بالایی برخـوردار بـوده (ابن‌قدامـه، ۱۴۰۲، ص۹۳) و ابونعیـم اصفهانـی او را «خطیب العارفیـن» معرفی کرده اسـت (اصفهانـی، ۱۹۶۷، ج۱، ص۱۱۴). هنگامـی کـه در سـاختار سـخنان و محتـوای جمـلات مطرح‌شـده توسـط او در مقام محاجه با نمایندگان کفار قریش در مجلس نجاشـی می‌نگریم، به این نتیجه دست می‌یابیم که قضاوت مورخان در مورد برخورداری وی از توان بالای خطابه

و سخنوری، حکیمانه سخن گفتن و رعایت اقتضائات زمانی و مکانی، کاملاً صحیح است؛ زیرا زمانی که نمایندگان قریش خواستند با دادن هدایایی به نجاشی، پادشاه حبشه، نظر وی را برای بازگرداندن مسلمانان به مکه جلب کنند، جعفر با تبیین منطقی عقاید اسلام و مسلمانان و بیان دیدگاه اسلام درباره حضرت مسیح علیه‌السلام، موجب متقاعد شدن نجاشی و اطرافیانش شد و بدین ترتیب، نمایندگان قریش در اقدام خود ناکام ماندند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج۱، ص۳۳۵ ـ ۳۳۶). او در این مجلس، با طرح سؤالاتی حکیمانه (قمی، ۱۳۶۷، ج۱، ص۱۷۶ و مجلسی، ۱۴۱۳، ج۱۸، ص۴۱۴)، به تبیین جایگاه اجتماعی مهاجران در مکه پرداخت و با عنایت به مقتضای حال مخاطبان در مجلس نجاشی توانست در مقابل فرستادگان مشرکان، به‌ویژه عمروبن‌عاص که سخنوری توانا بود، از دین و مهاجران دفاع کند؛ به‌گونه‌ای که با اشاره به مشترکات دین اسلام و مسیحیت و تلاوت آیاتی از قرآن کریم که مناسبت تام با عقاید پادشاه و بزرگان حبشه داشت (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج۶، ص۳۰۹)، مصداق کامل «جدال احسن» قرآنی را به منصه ظهور رساند.

مطابق برخی اخبار، با فعالیت تبلیغی جعفربن‌ابی‌طالب، تعدادی از حبشیان به اسلام گرویدند و بعدها به همراه او به مدینه آمدند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج۱۱، ص۲۲۹ و ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج۱، ص۲۴۲).. برخی مفسران، آیه ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً...﴾ (مائده:۸۲) را درباره مؤمنانی دانسته‌اند که با جعفر مسلمان شدند و همراه او به مدینه هجرت کردند (شیخ طوسی، ۱۴۱۳، ج۳، ص۶۱۳). باور تعدادی از مفسران دیگر نیز این است که آیه ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾؛ «کسانی که به آنان کتاب آسمانی عطا کرده‌ایم، آن را به طوری که شایسته آن است قرائت می‌کنند [و آن قرائت نمودن با تدبر و به قصد عمل است] اهل ایمان به آن [کتاب] هستند و کسانی که به آن کفر می‌ورزند فقط آنان زیانکارند» (بقره:۱۲۱)، درباره چهل نفر از اهل کتاب است که در حبشه به جعفر پیوستند و همراه وی، در سال هفتم هجری به مدینه آمدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱، ص۳۷۴ و واحدی، ۱۴۱۱، ص۴۳). تعداد دیگری از مفسران، آیات ۵۲ تا ۵۵ سوره قصص: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ...﴾ را نیز در شرح حال کسانی دانسته‌اند که به دست جعفربن‌ابی‌طالب ایمان آورده بودند (شیخ طوسی، ۱۴۱۳، ج۸، ص۱۶۲ ـ ۱۶۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج۹، ص۳۶۷ و قرطبی، ۱۳۸۴، ج۱۳، ص۲۹۶).

نتیجه‌گیری

با تتبع در متون تاریخی بازگوکننده حضور مسلمانان مهاجر به سرپرستی جعفربن‌ابی‌طالب ﷺ در مجلس نجاشی در حبشه، مشخص گردید که این حضور، آراسته با نقاط مثبت متنوع و فراوان بوده است. قطعاً بازخوانی آنها و انجام درنگی مناسب در محتوای رفتاری و گفتاری جعفربن‌ابی‌طالب ﷺ در این مجلس می‌تواند در مواجهه فرهنگی دشمنان اسلام در زمان حاضر نیز راهگشا باشد.

نتایج برآمده از این تحقیق (که در راستای پاسخ به این پرسش که: در چشم‌انداز متون تاریخی، مهم‌ترین ویژگی‌های شناختی و رفتاری بروزیافته از جعفربن‌ابی‌طالب در مجلس نجاشی چیست؟ صورت پذیرفته)، چنین است:

۱. سخنان حکیمانه جناب جعفربن‌ابی‌طالب در مجلس نجاشی، حاکی از این است که وی افزون بر داشتن شناختی دقیق و کارآمد نسبت به معارف و آموزه‌های دینی، از ایمانی قوی و بصیرتی مناسب و... نیز برخوردار بوده است.

۲. جعفربن‌ابی‌طالب ﷺ با بهره‌وری مناسب از ویژگی‌های شناختی خود در مجلس نجاشی؛ ازجمله: زمان‌شناسی و درک موقعیت، دین‌شناسی و دشمن‌شناسی و نیز با استفاده از استدلال‌های متقن در این مجلس توانست به بیان آموزه‌های بلند اسلامی همخوان با فطرت انسانی بپردازد و به خلع سلاح دشمن دست یابد.

۳. جعفربن‌ابی‌طالب ﷺ با استفاده بهینه از ویژگی‌های رفتاری ارزشمند خود در مدت حضور در مجلس نجاشی (ازجمله: صبوری و بردباری، شجاعت و نترسی، بهره‌وری مناسب از فن سخنوری و خطابه‌ای مطلوب، طرح استدلال‌هایی نزدیک به اعتقاد مسیحیان، و اعمال روش مناسب گفتگوی دینی با پیروان سایر ادیان)، از سویی توانست موجب برقراری رابطه‌ای عمیق بین نجاشی و تعدادی از بزرگان مسیحی با پیامبرﷺ و گرویدن آنان به اسلام شود، و از ناحیه دیگر نیز موفق گردید تا حاشیه امنی برای مهاجران همراه خود ایجاد نماید.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ۱۳۸۳ش، ترجمه: حسین انصاریان، قم: انتشارات اسوه.
۲. نهج البلاغة، ۱۳۷۹ش، سید رضی، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور.
۳. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن‌هبه‌الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغة، قم: مکتبة آیة‌الله المرعشی النجفی.
۴. ابن‌اثیر، ابوالحسن علی‌بن‌محمد شیبانی جزری، ۱۳۸۵ق، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
۵. ـــــــــــ، ۱۴۱۵ق، أسد الغابة في معرفة الصحابة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶. ابن‌حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی بن حجر، ۱۴۱۵ق، الإصابة فی تمییز الصحابة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷. ابن‌خلدون، ابوزید عبدالرحمن‌بن‌محمد، ۱۳۶۳ش، العبر التاریخ، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۸. ابن‌سعد بغدادی، أبوعبدالله محمد، ۱۹۶۸م، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر.
۹. ابن‌عبدالبر، یوسف‌بن‌عبدالله، ۱۴۱۲ق، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.
۱۰. ابن‌عساکر، أبوالقاسم علی‌بن‌الحسن، ۱۴۱۵ق، تاریخ دمشق، تحقیق: عمروبن‌غرامة العمروی، بیروت: دار الفکر.
۱۱. ابن‌عنبه، سیدجمال‌الدین أحمدبن‌علی حسنی، ۱۳۸۰ق، عمدة الطّالب في أنساب آل أبي طالب، نجف: المطبعة الحیدریة.
۱۲. ابن‌قدامه، عبدالله‌بن‌احمد، ۱۴۰۲ق، التبیین في أنساب القرشیین، تحقیق: محمد نایف دلیمی، بغداد: المجمع العلمی العراقی.
۱۳. ابن‌هشام، عبدالملک‌بن‌هشام، ۱۴۰۰ق، السیرة النبویة (زندگانی محمد، پیامبر اسلام ﷺ)، ترجمه: سیدهاشم رسولی، تهران: کتابچی.
۱۴. ـــــــــــ، بی‌تا، السیرة النبویة (سیره ابن‌هشام)، بیروت: دار المعرفة.
۱۵. اصفهانی، ابوالفرج، ۱۳۸۵ق، مقاتل الطالبیین، قم: منشورات المکتبة الحیدریة.
۱۶. اصفهانی، أبونعیم أحمدبن‌عبدالله، ۱۴۰۶ق، دلائل النبوة، بیروت: دار النفائس.
۱۷. ـــــــــــ، ۱۹۶۷م، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، بیروت: چاپ محمد امین خانجی.
۱۸. امین، سیدمحسن، ۱۴۰۳ق، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۹. انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، ۱۴۱۶ق، أسرار آل محمد ﷺ (ترجمه کتاب سلیم‌بن‌قیس هلالی)، قم: نشر الهادی.
۲۰. بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۲۱. بغوی، حسین‌بن‌مسعود، ۱۴۲۰ق، تفسیر بغوی؛ معالم التنزیل في تفسیر القرآن، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲۲. بلاذری، احمدبن‌یحیی، ۱۴۱۷ق، انساب الاشراف، بیروت: دار الفکر.
۲۳. بلنسی، محمدبن‌علی، ۱۴۱۱ق، تفسیر مبهمات القرآن، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۲۴. بیهقی، ابوبکر احمدبن‌حسین، ۱۳۶۱ش، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعه، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی).
۲۵. حسکانی، عبیدالله‌بن‌عبدالله، ۱۴۱۱ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: مجمع إحیاء الثقافة الإسلامیة.
۲۶. ذهبی، شمس‌الدین أبوعبدالله محمدبن‌أحمد، ۱۴۲۷ق، سیر أعلام النبلاء، قاهره: دار الحدیث.
۲۷. ـــــــــــ، ۲۰۰۳م، تاریخ الإسلام وَوَفیات المشاهیر وَالأعلام، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۲۸. رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمدبن‌عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن‌بن‌ابی‌بکر، ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۳۰. ـــــــــــ، ۱۴۰۵ق، الخصائص الکبری، قاهره: دار الکتب الحدیثة.
۳۱. شیخ صدوق، ابی‌جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، ۱۳۸۶ق، علل الشرائع، نجف: منشورات المکتبة الحیدریة.
۳۲. شیخ طوسی، محمدبن‌حسن، ۱۴۱۳ق، التبیان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. شیبانی، أبوعبدالله أحمد بن محمد بن حنبل، ۱۴۰۳ق، فضائل الصحابة، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۴. صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۳۲ق، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی.
۳۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۷. طبری، محمدبن‌جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۳۸. ـــــــــــ، بی‌تا، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت: بی‌نا.
۳۹. ـــــــــــ، ۱۳۷۵ش، تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر.
۴۰. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین علی‌بن‌احمد، بی‌تا، مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد، قم: بصیرتی.
۴۱. عودی، ستار، ۱۳۷۸ش، «جعفربن‌ابی‌طالب»، در دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
۴۲. قرشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۷۷ش، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۴۳. قرطبی، أبوعبدالله محمد بن أحمد بن أبی‌بکر، ۱۳۸۴ق، الجامع لأحکام آیات القرآن (تفسیر قرطبی)، قاهره: دار الکتب المصریة.
۴۴. قمی، علی‌بن‌ابراهیم، ۱۳۶۷ش، تفسیر القمی، قم: دار الکتاب.
۴۵. کلینی، محمدبن‌یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۶. کوفی، فرات‌بن‌ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.

۴۷. لیثی واسطی، علی‌بن‌محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.
۴۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۱۳ق، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۹. محدثی، جواد، ۱۳۸۵ش، «زمان‌شناسی»، مجله معارف اسلامی، ش۶۴، ص۱۴ ـ ۲۰.
۵۰. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، فرهنگ فارسی معین، تهران: ادنا.
۵۱. مقدسی، مطهربن‌طاهر، ۱۳۷۴ش، آفرینش و تاریخ، ترجمه: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر آگه.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۵۳. میبدی، رشیدالدین احمدبن‌ابی‌سعد، ۱۳۷۱ش، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵۴. واحدی، ابوالحسن علی‌بن‌احمد، ۱۴۱۱ق، أسباب نزول القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۵. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ق، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، تهران: مکتبة الإسلامیة.
۵۶. هلالی، سلیم‌بن‌قیس، ۱۴۰۵ق، کتاب سلیم‌بن‌قیس الهلالي، قم: الهادی.
۵۷. یعقوبی، احمدبن‌اسحاق، ۱۳۷۹ق، تاریخ الیعقوبي، بیروت: دار صادر.